

## زمستان انحطاط

چهار فصل بهار تقویمی برای زندگی انسان‌هاست. الله سبحانه و تعالی حیات و طبیعت را با جمله فصل‌های آن برای انسان آفرید تا بنده‌هایش را مورد ابتلاء و آزمایش قرار دهد. درین همه خلایق خداوندی تنها موجودی که مورد هدف ابتلای خداوندی قرار دارد همانا انسان می‌باشد. پس این بشرِ عاقل چرا به جای این‌که در محور هدف خود بیندیشد، بهار و خزان زندگی خود را محاسبه نموده، تغییر فصل‌های بد زندگی خود را جشن گرفته و برای بهاری شدن خود چاره بسنجد، در عوض می‌آید از تغییر فصل طبیعت جشن می‌گیرد. در حالتی که خودش را خواب زمستانی و فصل انحطاط فرا گرفته.

هر روز تو می‌شود، هر فصل تغییر می‌یابد و هر سال جای خود را به سال دیگری می‌دهد؛ اما فصل‌های فکری و نفسی یک انسان که سال‌هاست زمستانی مانده، همچنان ادامه دارد. در امتداد خون ما و باروت دشمن همچنان نظام‌های فاسد و ظالم کفری به سان سال‌های قبل حاکم و پابرجاست. پس هیچ چیز تغییر نکرده؛ به جای مبارک باید گفت: تسلیت!

این‌جا نمی‌خواهم به فقهیات نوروژ پردازم، اما این را مهم‌تر می‌یابم تا بگویم که؛ این خواب زمستانی انحطاط آن‌قدر عمیق و طولانی شده که مردم در مصروفیت به کاه از کوه غافل شده‌اند. امروز از همان منابر درس حلال و حرمت نوروژ برای مردم داده می‌شود که برای نظام دموکراتیک کفری - با ترس یا رضایت - کمپاین صورت می‌گرفت.

ازین هم ظلم بزرگ‌تری وجود دارد که احکام الله معلق گشته و نظام‌های فاسد بشری جای خدا حاکمیت نمایند؟! مگر گناه سود بیشتر از زنا به مادر گفته نشده است؛ هدفم از بانک‌های افغانستان است. اشغال سرزمین مان سال‌هاست برای کفار و هم‌پیمان‌های شرقی و غربی آن‌ها بسان ظرف غذا برای گرگان گرسنه و وحشی شده است. فحشاء به شکل سازمان‌یافته ترویج می‌شود، ظلم و فساد بشکل قانونی آن جاری می‌باشد و همین گرده‌های جامعه است که تحت لگدها و ضربات سنگین این نوع نظام‌ها و افکار هر لحظه و هر روز خورد می‌شود. مگر برای عالی جنابان، سال یک بار است که اسلام به ذهن شان دق‌الباب نموده و غریزه تدین شان به غلیان می‌آید که آن را هم در یک روز نوروژ اشباع و ارضا می‌سازند!

و این‌سوتر قطب دیگری که با توجیحات متفاوتی به جشن و پایکوبی می‌پردازند. همه‌ی این‌ها یک‌سان نمی‌اندیشند و نه برای آن‌ها دلایلی از قبیل: «بهار روز سرسبزی طبیعت و آغاز فصل کار و تحصیل» مهم می‌باشد. برخی از آن‌ها با استفاده ازین فرصت در سدد تطبیق پروژه‌های دیگران اند و برخی هم کسانی می‌باشند که

در پی اشباع هوای نفس خود بوده و چنین روزها توجیه خوبی برای پرداختن به معیشت‌های نفسی و غریزوی شان می‌باشد. باید دانست که برای این طبقات صرف مهیاء شدن فرصت در پرداختن به پلان‌ها و نفسیات شان مهم است؛ باقی برای آن‌ها مهم نیست که اسمش را نوروز، عید، روز عشاق می‌گذارید یا چیز دیگری.

پس کسانی که زیر چتر نظام‌های دموکرات و سیکولار راضی گشته و پهلوی آن صرف به حلال و حرام بودن این نوع مسایل نیز می‌پردازند به افکار خویش تجدید نظر نمایند. آن‌ها بر وضعیت جامعه‌ی ساکت و بی‌تفاوت اند که افکار و احساسات عامه آن مملو از ارزش‌های کفوری بوده و نظام حاکم سرمایه‌داری در آن از طریق رسانه‌ها، مراکز تحصیلی/تعلیمی و نهادهای مدنی بسیار به سادگی توانسته افکار مسموم و فاحش غربی را داخل نموده و از آن حمایت و حفاظت نماید.

بلی فصل‌های سال تغییر خواهد کرد اما این افراد و جامعه بازهم زمستانی خواهد بود؛ مگر این‌که گلیم پوسیده و گندیده‌ی نظام‌های حاکم را از بنیاد برکنده و جامعه‌ی را از نو بنیاد نمایند که آن جامعه جز جامعه اسلامی با حاکمیت دولت خلافت راشده چیز دیگری نمی‌باشد.

## **یوسف ارسلان**